

تأثیر دانش پزشکی ایران در دنیای غرب

مینو فؤادی

سخن امروز من دربارهٔ دو تن از بزرگترین اطباء ایران، رازی و ابن سیناست. نام این دو دانشمند جهانی همواره یادآور این بحث است که چرا در بعضی منابع غربی ایشان را عرب می‌نامند و یا به طور کلی، چرا در مورد علم طب خاورمیانه که تا حد زیادی مرهون و مدیون طب ماقبل اسلام است اصطلاح طب اسلامی را به کار می‌برند.

باید دانست که علم طب به مانند هر دانش دیگری تعلق به ناحیه و یا شهر یا دین مخصوصی ندارد. مرز علم به پهنا و وسعت همه گیتی است و آنچه امروزه از دستاوردهای علمی مخصوصاً پزشکی داریم میوه و ثمرهٔ قرن‌ها تجربیات و دانش پژوهی هزاران طبیب و حکیم و داروشناس است. این دانش‌ها بر اثر رفت و آمد مردم و مبادلات و گفتگوهای علمی مرزها را در می‌پیماید، با دانش‌های نوینی در هم می‌آمیزد و پدیده‌ای نو و بدیع از آن حاصل می‌شود، همان پدیدهٔ نوین نیز روزی کهنه و بی‌مصرف می‌شود، کنار می‌رود و بر پایهٔ آن تجربه یا تئوری علمی تازه‌ای سربلند می‌کند.

ناحیهٔ شرق نزدیک و بین‌النهرین به خاطر آب و هوای مطلوب خود از نخستین زادگاه‌های تمدن جهان بوده است. آشوریان و بابلیان در هزاران سال پیش از میلاد مسیح در آنجا می‌زیستند و تمدنی بر پایهٔ شهرنشینی بنا کردند و به تدریج به کشاورزی و صنعتی که برای زمان خود پیش‌رفته بود دست یافتند. اسنادی که از کتابخانهٔ آشوربانیپال (۶۶۸ پیش از میلاد) از شهر نینوا به دست آمده گواهی روشن از وجود علم پزشکی در آن منطقه است. این اسناد به خط میخی و بر روی گل نگاشته شده و برخی از آنها ترجمه شده که از جمله شامل رسالاتی دربارهٔ چگونگی معالجهٔ امراض مختلف است (۱).

از سوی دیگر در شمال شرقی ایران در میان قوم آریائی که زردشت در آن ظهور کرد شاهد نوع پیشرفته‌ای از طب هستیم. در بخشی از اوستا که در کتاب وندیداد به زبان پهلوی ترجمه شده است از سه شیوهٔ معالجه نام برده شده است. یکی معالجه با فلز که منظور به کار بردن چاقو در جراحی

است، دیگر معالجه با گیاهان و نباتات که البته منظور به کار بردن داروست و دیگری معالجه با دعا که در اوستا "مانترا Manthra" نامیده می‌شود. در اوستا اهورامزدا (خدای دانا) خود را آفریننده صدها، هزارها و ده‌ها هزار گیاهان و درختان شفا بخش می‌خواند. در عین حال اوستا تأکید می‌کند که بهترین طریق معالجه با خواندن دعای مخصوصی است. معمولاً پس از خواندن دعا بر بالای سر بیمار در طبی فرمول دیگری به بیماری فرمان داده می‌شده که رفع شود: "ای بیماری من به تو فرمان می‌دهم که بروی، ای تب من به تو فرمان می‌دهم که قطع شوی، ای درد به تو فرمان می‌دهم آرام‌گرددی ... و غیره" (۲)، بدیهی است نباید از اثرات روان‌درمانی و تلقینی که در چنین جملاتی نهفته است غافل شد و چه بسا که تجویز گیاهان شفا بخش همراه با چنین دعاهائی به معالجهٔ بیماران می‌انجامیده است.

آمدن دین زردشتی به فلات ایران و نیز سلطنت هخامنشان بر آشور و بابل همراه با سیاست تفاهم و تساهلی که شاهان این سلسله داشتند این دو مکتب طبی را در هم آمیخت و به تدریج در ایران پیش از اسلام طب صورت تدوین شده و منظمی یافت. شاهان هخامنشی پزشکان را احترام گزارده و بدون توجه به اختلاف نژادی کشوری، زبانی و دیناتی به آنان اجازه می‌دادند که در دربار آنان خدمت کنند.

در دورهٔ ساسانیان شهرت دانشگاه عظیم گندی شاپور (جندی شاپور) جاذب دانشمندان و ارباب علم و صاحبان فن بود. با مهاجرت عده‌ای دانشمند مسیحی از دانشگاه شهر ادسا Edessa به ایران و اشتغال آنان در دانشگاه گندی شاپور شهرت این دانشگاه افزونی یافت. ادسا یا الرها از شهرهای قدیم شمال سوریه و در کنار رودخانه فرات بود و دانشمندان این ناحیه با روحانیون مسیحی دیگر در مورد طبیعت لاهوتی و ناسوتی حضرت مسیح اختلاف عقیده داشتند. در نتیجه دانشگاه طب و الهیات شهر ادسا در بین‌النهرین بسته شد و دانشمندان آن شهر به ایران پناهنده شدند (۳). این گروه آشنائی کامل با طب و فلسفه یونانی داشتند و توانستند دانشجویان را با آثار دانشمندان یونانی چون بقراط، ارسطو، جالینوس و افلاطون آشنا کنند. در این دانشگاه هم چنین علمای هندی و یونانی همراه با سایر پژوهشگران به فعالیت علمی مشغول بودند (۴).

در دانشگاه گندی شاپور رشته‌های علوم به سرعت پیشرفت می‌کرد و در داروشناسی روش‌های نو و تازه‌ای برای درمان بیماری‌ها ایجاد شد که حتی از روش علمی یونانی‌ها و هندی‌ها بهتر بود. پزشکان دانشگاه پیشرفت‌های علمی دیگران را در نظر گرفته و آنها را با کشفیات خود تعدیل و

تکمیل می‌کردند (۵). در این دانشگاه قوانین و اصول طبّی تنظیم شده و به ثبت می‌رسید. انوشیروان به تقویّت و وسعت دانشگاه افزود و باعث شد که آوازه شهرت دانشگاه توجّه دانشمندان و پزشکان یونان را جلب کند. عده‌ای از دانشمندان یونانی به گندی شاپور آمده و برای مدّتی در آن به کار پژوهش و تدریس مشغول شدند. به دستور انوشیروان کتابی درباره سموم تألیف شد که سال‌ها مورد استفاده قرار گرفت (۶). یکی از کتبی که به زبان پهلوی آن زمان نوشته شد کتابی است درباره داروها و استعمال آن در بیماری‌های گوناگون. این کتاب در سراسر قلمرو خلافت شرقی پذیرفته شد می‌توان آن را اولین کتاب دستور داروسازی Pharmacopoeia در دنیای آن روز دانست (۷).

وجود اسامی پارسی داروها در زبان عرب نشانه اثر و نفوذ مؤثر این کتاب است. در گندی شاپور کتب یونانی و هندی به زبان پهلوی ترجمه می‌شد از جمله کتب افلاطون، ارسطو و افسانه‌های بید پای هندی به نام "کلیله و دمنه" که برزویه یا بزرگمهر طبیب مشهور و حاذق دوران ساسانی آن را به ایران آورده بود (۸). حادثه پزشکی جالب دیگر در دوران انوشیروان انجمن یا کنفرانس همگانی پزشکان بود که به منظور بحث و مطالعه درباره مسائل پزشکی وقت در گندی شاپور تشکیل گردید. این انجمن به ریاست پزشک دربار "جبرائیل یا درست پاد" اداره گردید (۹). در این دانشگاه کتب علمی از زبان‌های یونانی، سریانی، هندی و غیره به زبان پهلوی ترجمه می‌شد که بعدها در دوران خلفای عباسی به عربی برگردانده شد.

دانشگاه گندی شاپور مقارن حمله اعراب به ایران در اوج اعتلا و افتخار بود در سال ۶۳۶ م این شهر در مقابل حمله اعراب مقاومت نکرد و به سپاهیان اسلام تسلیم گردید. اعراب اهمیّت این شهر را شناخته و اجازه دادند که دانشگاه به کار خود ادامه دهد. از این به بعد گندی شاپور در دنیای اسلام بزرگترین مرکز پزشکی به شمار می‌رفت.

ارزش و اهمیّت دانشگاه گندی شاپور را می‌توان اینگونه خلاصه نمود:

- ۱- پیشرفت سریع در دانش پزشکی و داروسازی.
- ۲- محیط آزاد و عاری از تعصّب برای دانشمندان.
- ۳- وجود علماء از نژاد، دیانت و کشورهای گوناگون.
- ۴- وجود زبان‌های تدریسی گوناگون.

- ۵- نگارش و ثبت مواضع پژوهشی و تجربی.
- ۶- ترجمه آثار پهلوی به زبان‌های دیگر و آثار زبان‌های دیگر به پهلوی.
- ۷- انجمن همگانی پزشکان به منظور بحث و مطالعه درباره مسائل پزشکی.
- ۸- انتخاب افراد غیر زردشتی به مقام ریاست دانشگاه.
- ۹- اولین کتاب درباره داروسازی (فارماکوپیه) در این دانشگاه به تحریر آمد.
- ۱۰- این دانشگاه یکی از بزرگترین و مهم‌ترین مراکز تربیت پزشک بود. بسیاری از اطباء دوران اولیه اسلام پزشکان گندی شاپور بودند یا افرادی بودند که در گندی شاپور تحصیل طب کرده بودند (۱۰).

پس از مدتی با گسترش مرکز خلافت بغداد، خلفای اسلامی دانشمندان گندی شاپور را به بغداد دعوت کردند و این باعث شد که به تدریج پزشکان و علماء و فلاسفه به سوی بغداد روانه شدند و در نتیجه از اهمیت گندی شاپور کاسته شد. سرانجام با دعوت و دادن پاداش به دانشمندان ایرانی و سایر نقاط، خلفای عباسی که برنامه‌شان ایجاد مرکزی علمی در بغداد بود دانشگاه عظیمی بنا کردند که جایگزین گندی شاپور شد. گندی شاپور تا قرن ۱۴ گندی شاپور هنوز پا برجا بود و امروز تنها خرابه‌های این شهر در هشت میلی شمال شرقی شوشتر در ناحیه‌ای به نام شاه آباد وجود دارد (۱۱).

بدین ترتیب می‌بینیم قبل از حمله اعراب طب در ایران وجود داشت و با آن که کتابخانه‌ها را ظاهراً به دستور عمر سوزاندند و آثار علمی ایران را نابود ساختند ولی در زمان خلفای اموی و عباسی متوجه خطای بزرگ خود شدند و بار دیگر به ترجمه آنچه باقی مانده بود به زبان عربی پرداختند. از جمله آثار سریانی و یونانی و پهلوی که در میان آنها رسالات طبّی نیز وجود داشت.

رازی و ابن سینا هر دو زاده این مکتب کهن طبّی هستند که از قرن‌ها پیش در ایران وجود داشته است. آنچه نام ایشان را برجسته می‌سازد هوش علمی، پشتکار، عشق ایشان به طب و فلسفه و مهم‌تر از همه شجاعت ایشان در تحقیق و بیان یافته‌های خود است که در این راه سختی‌های بسیاری نیز به جان خریدند. نگاه سریعی به شرح حال ایشان و نفوذی که بعدها

تحقیقات این دو پزشک بر طبّ غرب کرد نشان نبوغ این دو است که همواره تاریخ علم را در ایران زینت می دهد.

دانش پزشکی در سده های اولیه اسلام

منابع مطالعه درباره وضع طبّ مقارن ظهور پیغمبر اسلام در میان اعراب بسیار ناچیز است. اعراب مردم سالمی بودند و مواضع درمانی بیشتر عبارت بود از استعمال عسل، حجامت و داغ کردن. در قرآن اشاراتی درباره طبّ وجود دارد که اکثر درباره بهداشت شخصی است مانند اجتناب از افراط در مصرف غذا، استعمال گوشت، خوک و الکل. اخبار و احادیث منقول از پیامبر اسلام درباره بیماری و درمان جمع آوری شده و به نام طبّ النبی (۱۲) مشهور است. یکی از اطبای مشهور زمان پیغمبر طیب عرب به نام حارث بن کلهه است که گویا مدتی در دانشگاه گندی شاپور تحصیل کرده بود (۱۳). پیروزی اعراب بر کشورهای پیشرفته ای مثل ایران و سوریه و غیره موجب شد که جهان اسلام به منابع غنی و سرشاری از اطلاعات پزشکی دسترسی حاصل نماید.

به تدریج با آبادانی و گسترش شهر بغداد آن شهر به صورت مرکز علمی و فرهنگی جهان اسلام درآمد. در دوران خلافت سلسله عبّاسی بیمارستان ها و سپس مراکز علمی در آن شهر بنا شد و پزشکان مشهور و سرشناسی از گندی شاپور به دعوت منصور خلیفه عبّاسی به بغداد رفتند. یکی از این پزشکان "جورجیس بن بختیشوع" که از سریانی ها و رئیس بیمارستان گندی شاپور بود.

یکی از امور مهمّ در مرکز علمی بغداد کار ترجمه کتب به زبان عربی بود. به سرعت آثار ذیقیمت فلسفی، الهیات، علوم طبیعی، ریاضیات، پزشکی و غیره توسط افراد یا گروه های متعدّد ترجمه گردید. اکثر مترجمین ایرانی، یهودی، مسیحی بودند و زبان عربی علاوه بر زبان مذهبی زبان علمی به شمار آمد. بعدها این آثار در غرب به زبان لاتین و زبان های اروپائی ترجمه شد. خلفای عرب برای به دست آوردن کتب قدیمی مأمورین سیاسی به کشورهای گوناگون اعزام می کردند و حتی در جنگ ها یکی از شرایط، تحویل کتب علمی کشور شکست خورده بود. این حکمرانان به سرعت کتابخانه بغداد را با کتب نفیس و با ارزش علمی و پزشکی پر کردند و مترجمان زیاد را به کار ترجمه این آثار گماشتند (۱۴). بیمارستان های عظیم در بغداد برپا شد که در آنها دانشجویان

حرفه و فنّ طبّ را فرا می‌گرفتند و به شهرت این شهر به عنوان مرکز علم و دانش دنیای اسلام هر چه بیشتر افزود.

پزشکان ایرانی عرب زبان

اکثر اطّابای دوران اوّلیه اسلام یا ایرانی بودند یا نسطوری، زردشتی، یهودی و مسیحی که در ایران زندگی می‌کردند. مانند :

۱- علی ابن ربان (ربن) الطبری: طبیب و فیلسوف که کتاب "الفردوس الحکمة" را در ۸۵۰ م به تحریر آورد. در این کتاب مطالب مختلف از جمله طبّ، داروسازی، آسیب شناسی و تغذیه مورد بحث قرار گرفته است (۱۵).

۲- علی ابن العباس مجوزی اهوازی: که کتاب "مالیکی" را نوشته است. در این کتاب وی تجربیات پزشکی خود را درباره علائم بیماری و درمان آن به وضوح بحث نموده است. وی اوّلین پزشکی است که جریان خون را در عروق سطحی شرح داده است و تولّد جنین را نتیجه انقباض عضلات رحم می‌داند. او طبیب بسیار حاذقی بود و بسیاری از تازه‌های پزشکی آن زمان را به این طبیب نسبت می‌دهند (۱۶).

۳- یوحنا ابن مساوی: اوّلین پزشک مسیحی است که کتابی درباره طبّ به زبان عربی نوشته است (۱۷).

۴- اسماعیل جرجانی: متولّد ۱۰۵۶ م در جرجان در شمال شرقی ایران و یکی از پزشکان معدودی است که آثار خود را به زبان فارسی نوشته است. مؤلّف ۱۲ کتاب است که ۹ کتاب آن به زبان فارسی است و آنها را مجموعاً "ذخیره خوارزمشاهی" نامید. ذخیره خوارزمشاهی یکی از مفصّل‌ترین و مشروح‌ترین کتب پزشکی به زبان فارسی است. این دانشمند بزرگ پس از ۵ قرن که اکثر مؤلّفات علمی و پزشکی به زبان عربی نوشته شده بود کتابش را به زبان فارسی تألیف کرد و فصل جدیدی در تاریخ پزشکی ایران آغاز نمود و بنا به گفته ادوارد براون، الجرجانی کاری برای پزشکی ایران کرد که انجیل برای زبان انگلیسی کرده است. این کتاب که یک دوره کامل طبّ بالینی و نظری است بزودی یکی از کتب اصلی تدریس طبّ گردید و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است (۱۸).

ابو بکر محمد بن زکریای رازی

محمد بن زکریای رازی که در دنیای غرب به نام "رازس Rhazes" مشهور است را می‌توان بزرگترین و متبکرترین پزشک دوران اولیّه اسلام و یکی از پراثرترین دانشمندان دوران خود به شمار آورد. رازی مانند اکثر دانشمندان دوران خود آثارش را به زبان عربی می‌نوشته و در نزد غربیان به جالینوس غرب مشهور است.

رازی در ۸۶۴ م در شهر ری به دنیا آمد و تحصیلات اولیّه را مانند فلسفه، ریاضیات، ادبیات، نجوم و سایر علوم نزد علمای آن دوران فرا گرفت. در جوانی به علم کیمیا علاقمند شد و سال‌ها در این رشته با استفاده از انواع مواد شیمیائی کار کرد و با این که به تبدیل مس به طلا موفق نگردید ولی در رشته شیمی تجارب زیادی پیدا کرد و توانست عناصر شیمیائی را طبقه بندی نموده و وزن مخصوص یا چگالی مخصوص آنها را اندازه بگیرد. وی آزمایش‌های شیمیائی را با چنان دقتی توضیح داده است که حتی امروز نیز می‌توان از آن روش‌ها استفاده کرد. یکی از کارهای مهمّ رازی کشف الکل و جوهر گوگرد یا اسید سولفوریک است (۱۹). رازی اولین فردی است که کلیه اشیاء عالم را به جامدات، نباتات و حیوانات تقسیم کرده است.

در رشته فلسفه رازی افکار مخصوص به خود داشت که مورد قبول همگان نبود و کتب متعدّدی درباره مسائل طبیعی، منطق، موارد مربوط به الهیات و ماوراء الطبیعه و فلاسفه گذشته مانند ارسطو و افلاطون و فیثاغورث تألیف نموده است. مواضع برخی از این کتب جنبه انتقادی دارد و تنها جز تعداد کمی از آنها باقی نمانده است. رازی به موسیقی علاقمند بود و عود را خوب می‌نواخت و کتابی (فی جمال الموسیقی) نیز در این زمینه نوشته است (۲۰).

توجه و اشتغال رازی به کیمیا و آزمایش‌های گوناگون با مواد شیمیائی و دود حاصل از فعل و انفعالات آن باعث عارضه چشمی شد و شاید کوری او در سال‌های بعد به همین سبب باشد. در سنّ سی سالگی به بغداد رفت و به صرف کنجکاوای از بیمارستان مشهور شهر دیدن کرد و در آنجا پس از مذاکره با داروساز باتجربه و پیر بیمارستان و دیدن نوزادی غیر طبیعی مصمّم شد که علم طبّ را فرا گیرد. لذا همّت به این کار نموده و با دسترسی به ترجمه آثار بقراط و جالینوس و سایر قدمای طبّ و تجارب بیمارستانی پس از چندین سال به عنوان طبیب حاذق شناخته شد و بزودی توانست مهارت و استادی خود را به عنوان یک پزشک نشان دهد. رازی بیشتر طبّ را از جنبه عملی و بالینی آموخته و در آثارش به خوبی این نکته نمایان است و شاید بتوان او را پایه گذار

طبّ بالینی که یکی از جنبه‌های اصلی تدریس پزشکی امروز است (۲۱). رازی در ابتدا توجه زمامدار شهری را به خود جلب کرد و به ریاست بیمارستان آن شهر برگزیده شد. رازی سپس به بغداد رفت و در آن شهر نیز مورد احترام و تحسین حاکم قرار گرفته و در سال‌های ۹۰۷ - ۹۰۲ م ریاست بیمارستان مشهور شهر، بیمارستان معتضدی را به عهده داشت.

رازی پزشکی حاذق و در زمان خود شهرت فراوان داشت و خدمات او در سراسر قلمرو خلافت مورد تقاضا بود. برخی از نظریات او بویژه درباره استفاده از غذا و معایعات در درمان بیماری‌ها هنوز مورد احترام است. رازی اوقات زیادی از ایام خود را به تدریس دانشجویان که از نواحی دور و نزدیک برای فراگیری به محضرش می‌آمدند می‌گذرانید. نویسنده پرکاری بود و برغم مشغله زیاد دست از خواندن و نوشتن کتاب بر نمی‌داشت. به تأیید خودش حتی بسیاری از شب‌ها را تا صبح به خواندن کتاب‌های بقراط و جالینوس می‌گذرانده است.

رازی مردی مهربان و دارای زندگانی ساده و بدون تجمل بود. وی به ایرانیان علاقه شدیدی داشت و بسیاری از آثار پزشکی خود را به خاطر آنان تألیف کرده بود. در پایان عمر از کم شدن بینائی خود رنج می‌برد و مابقی عمر را در وطن گذراند. تاریخ مرگ او بین سال‌های ۹۲۵ م تا ۹۸۲ م ضبط شده است.

آثار پزشکی رازی

با این که دوران طبابت رازی ۳۵ سال بیشتر نبود و بیشتر اوقات هم به کارهای اداری و مسافرت می‌گذشت ولی توانست آثاری در پزشکی به وجود آورد که از لحاظ ارزش همدیف کارهای بوعلی سینا و پزشکانی مانند بقراط و جالینوس است. آثار او را از مهم‌ترین آثار مکتب عرب قرار می‌دهند. تعداد نوشته‌جات رازی را در حدود ۲۰۰ تخمین می‌زنند که بیش از ۱۰۰ اثر آن درباره پزشکی و فنون وابسته به آن است (۲۲). او به آثار دانشمندان یونانی، هندی، ایرانی و عرب آشنا بود و در مهم‌ترین اثر او "کتاب الحاوی فی الطبّ" این نکته به خوبی دیده می‌شود. آثار مهم رازی عبارتند از:

۱- کتابی درباره آبله و سرخک نوشته است در این کتاب برای اولین بار رازی بیماری آبله را به نحوی کامل توضیح و تشریح نموده است و می‌توان گفت که از قدیم‌ترین کتبی است که درباره آبله نوشته شده است. رازی خود در مقدمه کتاب می‌نویسد که به این دلیل در کتاب خود به بحث

آبله پرداخته که تا آن زمان هیچگونه شرح قاطع و رضایت بخشی نه در میان آثار گذشتگان و نه در بین کتب معاصران درباره آن دیده نشده است (۲۳).

۲- رازی را پدر طبّ کودکان می‌دانند و رساله وی درباره بیماری‌های کودکان اولین اثری است که راجع به امراض اطفال نگاشته شده است (۲۴).

۳- اثر دیگر رازی کتاب المنصوری است. این کتاب بنا بر آنچه نوشته شده است هدیه به منصور ابن اسحق حاکم ری بوده است. او در این کتاب آثار اطّباء یونان را در مواضع پزشکی خلاصه کرده است و به نظر می‌رسد که این کتاب از آثار اولیّه رازی در طبّ است. متن عربی این کتاب به طور کامل به عربی تاکنون نشر نشده است. در این کتاب درباره استخوان بندی، جراحی، بهداشت همگانی و تغذیه بحث شده است. اهمّیت این کتاب در نظر استادان پزشکی اروپای قرون وسطی زیاد بوده است. قسمت نهم این کتاب که تحت عنوان فصل تاسع کتاب منصوری است تمام بیماری‌های بدن از سر تا پا توضیح داده شده است. این فصل مطمح نظر مفسّران و تقریباً بخشی از دروس پزشکی همه دانشگاه‌های قرون وسطی را شامل می‌شد (۲۵).

۴- کتاب الحاوی یا الحاوی فی الطبّ - الحاوی را که اروپائیان آن را Continens می‌نامند می‌توان بدون تردید یک دانشنامه کامل پزشکی دانست. در این کتاب رازی چون دانشمندی حقیقی ابتدا آثار گذشتگان را به نحو دقیق و بسیار کامل درباره بیماری‌ها مرور کرده است و در انتهی فرضیه و تجربیات خود را به آن اضافه می‌کند. بنا به گفته یکی از منقّدین در این اثر رازی همه مطالبی را که اطلاع به آنها در زمینه‌های بهداشت، بیماری‌ها و علّت آنها لازم است توضیح داده است. سپس درمان‌های طبّی و غذائی را برای آن بیماری‌ها و آنچه یک پزشک باید بداند ذکر کرده است (۲۶).

روش کار رازی در نوشتن این کتاب به این نحو بود که درباره هر بیماری و علل امراض، چگونگی تظاهرات بیماری و درمان آن، آثار اطّباء قدیم و جدید را از بقراط و جالینوس گرفته تا اسحق ابن حنین ذکر کرده و تمام پزشکانی را که با آنان معاصر بودند نام می‌برد بدون این که کسی را از قلم بیاندازد یا از ذکر سخنان آنها غافل شود. لذا می‌توان گفت که در الحاوی تمام آثار پزشکی تا آن زمان آورده شده است. پس از وفات رازی خواهر او نوشتجات وی را به قیمت گزافی به ابن عمید وزیر رکن الدوله فروخت. ابن عمید که سیاستمدار دانشمند و با اطلاعی بود دستور داد که شاگردان رازی و پزشکان عالیقدر شهر ری نوشتجات و یادداشت‌های رازی را جمع آوری و به

صورت کتاب واحدی در آورند. نتیجه کتابی شد که نمایای افکار و پژوهش و یادداشت‌های پزشکی رازی در طول حیات پزشکی وی می‌باشد. رازی در الحاوی از بیان جزئی‌ترین نکات که مورد نیاز طلاب در زمینه درمان بیماری است فروگذار نکرده است. این کاری بسیار پرزحمت بود و همین دلیل نسخ زیادی از آن تهیّه نگردید. پروفیسور براون چند قسمت از این کتاب را ترجمه کرده است و دکتر ماکس میرهوف Max Meyerhof مستشرق آلمانی نیز در سده گذشته متن اصلی و ترجمه سی و سه فقره از آن را منتشر نمود. دسترسی به متن کامل و اصلی این کتاب برای پی بردن به تاریخ کامل و درک اهمیت نقشی که اعراب و ایرانیان در پیشرفت فن پزشکی ایفا کردند ضروری است (۲۷).

۵- کتاب دیگری به نام "برأ الساعه" که با اسامی "درمان فوری" یا "دستورالطب" در دست است (۲۸).

۶- از کارهای دیگر رازی که دنیای غرب نیز از آن استفاده کرده است، استفاده از روده حیوانی (گوسفند) برای دوختن زخم‌ها و بستن زخم‌ها است. برای اولین بار رازی از پنبه برای حفاظت و زخم نشدن پوست بیماران مبتلا به آبله استفاده نمود.

۷- تجویز جیوه برای لینت مزاج

۸- مرهم سفید آب سرب برای بیماری‌های چشم که در اروپا به نام سفید آب رازی مشهور بود و از آن برای درمان چشم در قرون وسطی استفاده می‌شد.

۹- رازی برای اولین بار واکنش مردمک چشم را در برابر نور توضیح داد.

۱۰- در مورد ضعف بینائی رازی علّت را تیره‌گی عدسی چشم تشخیص داد و درمان آن را خارج کردن عدسی تجویز کرد و رساله‌ای درباره بیماری‌های چشمی از او در دست است (۲۹).

شیخ الرئیس ابو علی سینا

ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا طبیب، فیلسوف و دانشمند ایرانی یکی از بزرگترین مردانی است که تاکنون تاریخ به خود دیده است. او فردی است که تنها بواسطه نبوغ و استعداد خارق‌العاده، پشتکار و زحمت زیاد توانست آثاری به وجود آورد که تا ۶۰۰ صد سال دنیای خاورمیانه و غرب را تحت تأثیر دانش و بینش خود قرار داده است. شهرت او در شرق و غرب یکسان و دانته Dante شاعر و نویسنده اروپائی در کتاب مشهور خود "کمندی الهی"، ابن سینا را در

ردیف بزرگترین متفکرین و دانشمندان دنیای غیر مسیحی به شمار می‌آورد. ویلیام هاروی William Harvey و سایر دانشمندان و فلاسفه اروپائی به عظمت دانش و نبوغ این فرد شهادت داده و به ابن سینا لقب "جالینوس ایران" داده‌اند.

ابن سینا در شهر بلخ در خانواده غیر متمکن و مشخص به دنیا آمد. پدرش مأمور جمع آوری مالیات بود و مادرش از روستاهای نزدیک بخارا. بوعلی در قریه خرمیش که در ایالت بلخ بود به دنیا آمد. تاریخ تولد او را سال ۹۸۰ م و وفاتش را در ۱۰۳۶ م ثبت کرده‌اند. تحصیلات او ابتدا از قرآن شروع گردید. نبوغ و حافظه بسیار قوی وی از همان دوران طفولیت آشکار بود و بدون کوچکترین کوششی در سن ده سالگی تمام قرآن را به خاطر سپرده بود. سپس نزد استادان بنام عصر، هندسه، ریاضیات، جبر، نجوم، رشته‌های الهیات و منطق را فراگرفت.

در شانزده سالگی به توصیه یکی از پزشکان عیسوی جرجان به نام ابو سهل تحصیل طب را آغاز کرد. بوعلی در زندگی نامه‌ی که خود بخشی از آن را نوشته است می‌گوید که در دوران تحصیل هیچ شبی را به طور کافی نخوابید و در روز بجز تحصیل دانش به کار دیگری اشتغال نوزدید. در دوران طبابت اگر به مسائل مبهم و دشواری بر می‌خورد وضوی کامل می‌گرفت و به مسجد رفته و به دعا و مناجات می‌پرداخت تا خداوند به او کمک نماید. و اضافه می‌کند که نخست بیماران را نه برای دستمزد بلکه برای تعلیم خود درمان می‌کرده است.

در اوائل طبابت به خدمت حاکم بلخ، "نوح ابن منصور سامانی" در آمد و در دربار او به طبابت مشغول شد. بدین ترتیب اجازه یافت که از کتابخانه سلطنتی که با کتب و آثار نادر و مفید مجهز بود استفاده کند. خودش می‌نویسد: «من به کتابخانه رفتم و صندوق‌های بسیاری که مملو از کتاب بود در آنجا دیدم. سپس فهرست آثار نویسندگان قدیم را خواندم و آنچه می‌خواستم در آنها یافتم. در آنجا به کتب زیادی برخورد کردم که حتی اسامی آنها برای مردم ناشناس بود و نیز کتاب‌های دیگری دیدم که قبلاً و تا آن زمان هیچ‌گاه مشاهده نکرده بودم» (۳۰).

آوازه نبوغ و استعداد خارق‌العاده ابن سینا از همان دوران جوانی در اکثر نقاط پیچیده بود و امرا و زمداران وقت مانند سلطان خوارزم از سلسله سامانیان خواهان حضورش در دربار خود شده و برایش احترام و تحسین فراوان قائل بودند. ولی چندی بعد سلطان مقتدر محمود غزنوی که برای بالا بردن عظمت و احترام دربارش از دانشمندان طراز اول و ارباب علوم دعوت می‌کرد خواهان خدمت ابن سینا در دربارش شد. ابن سینا با اطلاع از رفتار سلطان محمود با فردوسی و ندادن

پاداش شاهنامه این دعوت را قبول نکرد و ناچار به ترک محلّ اقامت خود شده به جرجان که قاموس ابن وشمگیر در آن حکومت می‌کرد عزیمت نمود. با این که مدّتی در خفا بسر می‌برد ولی بزودی رازش آشکار شد و مجبور به کوچ به نقطه دیگری گردید.

از این به بعد زندگانی ابن سینا عبارت از دوران در بدری و اوقات فراغت بود. گاهی مورد احترام و عزّت شاهزاده و رؤسای ناحیه‌ای قرار می‌گرفت و با درجات و مقام‌های گوناگون حتّی مقام وزارت خدمت می‌کرد. زمانی نیز اگر با سیاست حکمران موافق نبود یا میل به خدمت در درباری را نداشت مورد خشم آنان قرار می‌گرفت حتّی مدّتی را در زندان گذراند. زندگانی او مقارن یکی از آشفته‌ترین دوران سیاسی ایران بود و افرادی مانند ابن سینا از این اوضاع صدمه زیاد دیدند. او در اواخر حیات به طرف غرب ایران که در آن زمان نواحی ری، اصفهان و همدان بود روی نمود و در بعضی از این شهرها مورد احترام رؤسای امور قرار گرفت و نه تنها توانست به کارهای علمی خود ادامه دهد بلکه در اکثر موارد از او برای امور شهرداری به عنوان وزیر حکمران کمک گرفته می‌شد. در اصفهان و همدان بویژه از آرامش و آسایش برخوردار و مورد حمایت و کمک مالی دولت قرار گرفت و توانست در طول ۱۴ سال آخر حیات به تحریر کتب علمی خود ادامه دهد. در انتهای دوران عمر در همدان با عزّت و احترام زندگی کرد و در ۱۰۳۶م در سنّ ۵۷ سالگی به سبب قولنج و دل درد شدید فوت کرد و در همان شهر به خاک سپرده شد. آرامگاه ابن سینا در همدان در طول قرون توسط حکمرانان، و افراد مؤثّر در جامعه تعمیر و نگاهداری شده است (۳۱).

ابن سینا زمانی که در جرجان بود با محمّد جورجانی (طیب مشهور ایرانی) آشنا شد. دوستی این فرد با ابن سینا در بقای آثار او بسیار مؤثّر بود. اطلاعاتی که در دنیای امروز درباره زندگانی و تاریخچه حیات و آثار بی‌شمار ابن سینا در دست است مرهون جورجانی می‌باشد. جورجانی زندگی نامه ابن سینا را از روز ملاقات تا مرگش او به رشته تحریر آورد و یکی از کتب مهمّ ابن سینا، "دانشنامه علائی" را کامل نمود. آثار کوچکتر و کم اهمیت‌تر که در زمان ابن سینا پراکنده بود را جمع آوری و تدوین نمود. می‌گویند اگر تشویق و اصرار جورجانی نبود بسیاری از کتب ابن سینا به صورت اوراق پراکنده باقی می‌ماند و برای همیشه از دست می‌رفت چون ابن سینا عادت داشت آنچه را که می‌نوشت بدون نسخه برداری به شاگردان و علاقمندان بدهد (۳۲).

ابن سینا با وجود آشفته‌گی‌های زندگانی، عدم امنیت جسمی و مالی، دشمنی و حسادت افراد، درخواست‌های بی‌جهت حکمرانان و خشم آنان در صورت نپذیرفتن، و تهدیدهای مکرر آنان و نداشتن مسکنی ثابت، به کار پژوهش علمی و نویسندگی ادامه داد و موفق شد بر خلاف ناهمواری‌های زندگانی آثاری به وجود آورد که بنابر عقیده اکثر دانشمندان از عهده یک فرد خارج است. وی روزها را صرف تدریس دانشجویان و اداره امور سیاسی می‌کرد و شب‌ها را تا نزدیکی صبح به نوشتن و بحث در مواضع علمی می‌گذرانید. روایت است که این همه مشغله وی را از خوش گذرانی نیز باز نمی‌داشت (۳۳).

آثار ابن سینا

آثار ابن سینا بسیار زیاد و درباره مواضع گوناگون است. کمتر موضوعی است که ابن سینا درباره آن نوشته باشد. وی در رشته‌های موسیقی، ریاضیات، ستاره‌شناسی، منطق، طب، فلسفه حتی درباره عشق و شراب مطالبی به تحریر درآورده است. او نویسندگی را از نوجوانی و زمانی که در بلخ بود شروع کرد و سه اثر او پیش از سن ۱۷ سالگی نوشته شده است. ابن سینا مانند اغلب علمای ایرانی آثار خود را به زبان عربی می‌نوشت. ولی دو کتاب وی از جمله "دانشنامه علائی" و "رساله نبض" به زبان فارسی است. در "دانشنامه علائی" مسائل مربوط به ماوراء الطبیعه، علوم طبیعی، ریاضیات، نجوم و منطق بحث شده است (۳۴). بیان کارهای علمی این دانشمند حتی فهرست‌وار اوقات زیادی لازم دارد و در این مختصر تنها به دو اثر او "کتاب شفا" در فلسفه و "کتاب قانون" که در پزشکی شهرت جهانی دارد، می‌پردازم.

کتاب شفا

کتاب شفا دانشنامه‌ی قطور و جامع‌ترین اثری است که تاکنون توسط یک فرد نوشته شده است. این اثر در ۱۸ جلد و در آن مسائل فلسفی، الهیات، علوم طبیعی، پسیکولوژی Psychology، ریاضیات، هندسه، نجوم و موسیقی بحث شده است. در این اثر ابن سینا توانست اصول عقاید فلسفی ارسطو و ابو نصر فارابی و الکندی و سایر فلاسفه یونان را به نحوی منظم و سیستماتیک ارائه نماید و مسائل پیچیده و حل‌نشده را به زبانی روشن و قابل فهم، بیان کند. وی اولین فردی است در اسلام که کتبی جامع با سبکی منظم در فلسفه نوشته است و در آن

بسیاری از مواضع مانند الوهیت و اصالت انسان و هویت، فضیلت و حقیقت او بحث می‌کند. ابن سینا سعی نمود فلسفه را با دین اسلام توافق دهد ولی توضیح مسائل را با روش عقلی و مستقل از قرآن مورد بحث قرار می‌داد و می‌گفت وجود خداوند بر جهان تقدّم ذاتی دارد نه زمانی. وی به وجود جنّ و زنده شدن پس از مرگ و امثال آن اعتقادی نداشت. پس از مدّتی تفحص و پژوهش در آثار ارسطو و سایرین تمایل به حکمت اشراق و فلسفه اشراق پیدا کرد و تا آخر عمر از این فلسفه طرفداری نمود.

آلبرتوس مگنوس Albertus Magnus دانشمند و فیلسوف آلمانی که شرح و تفسیر جامعی بر فلسفه ارسطو به زبان لاتین نگاشته است ابن سینا را پایه گذار اصلی ارسطوگرایی در غرب می‌داند و راجریبکن Roger Bacon وی را پس از ارسطو بزرگترین استاد فلسفه می‌داند. (۳۵)

در غرب ابن سینا را بیشتر برای نظریات پزشکی و کتاب قانون می‌شناسند در حالی که در جهان اسلام ابن سینا بزرگترین چهره در دنیای علم و فلسفه است و بدین سبب وی را شیخ الرئیس یعنی استاد همه علوم می‌نامند.

ابن سینا در زمینه‌های دیگر نیز آثار مهمی بجای گذاشته است و رساله‌های او درباره معادن و شناخت موادّ معدنی تا قرن ۱۳ در اروپا مهم‌ترین مأخذ علم زمین شناسی بود. ابن سینا عقیده داشت که کوه‌ها به دو علت در دنیا به وجود آمده‌اند یکی برآمدن قشر زمین در اثر زمین لرزه که امروزه به آن آتش فشانی می‌گویند و دیگر جریان آب که خاک سست را می‌شوید و ایجاد درّه می‌کند. ابن سینا کتاب اقلیدس را ترجمه کرد و کاررصد‌های نجومی را نشان داد.

کتاب قانون (القانون فی الطب) (۳۶)

کتاب قانون مشهورترین کتاب در دنیای پزشکی در شرق و غرب است. برای اولین بار ابن سینا دانش پزشکی را به صورت سیستماتیک در آورد. در این کار عظیم ابن سینا آثار پزشکان یونانی مانند بقراط و جالینوس و برخی از اطبّای عرب را همراه با تجربیات خود دسته بندی کرده است. وقتی که این کتاب در دنیای طبّ شناخته شد یکباره همه کتب طبّی گذشته را تحت الشعاع قرار داد. ابن العربی می‌نویسد: «قبل از تألیف و انتشار قانون طالبان عالم پزشکی کتاب "کامل الصناعه" مجوسی را تحصیل می‌کردند ولی پس از شناخته شدن قانون ابن سینا، استفاده از آن کتب کاملاً متروک شد». در چهار مقاله نظامی عروضی پس از نقل کتب گوناگون که برای

دانشجوی طبّ لازم بود، این طور آمده است: «هرکس که کتاب اوّل قانون را به خوبی فراگیرد از اصول اساسی و عمومی علم طبّ چیزی بر وی پوشیده نخواهد ماند زیرا اگر بقراط و جالینوس زنده بودند ناچار می شدند این کتاب را تحسین و تکریم کنند».

کتاب قانون دارای ۵ کتاب است:

کتاب اوّل - که در آن اصول پزشکی و فلسفه طبّ، تشریح اعضاء، فیزیولوژی، بهداشت و درمان بیماری‌ها توضیح داده شده است. کتاب اوّل قانون از نظر گذشتگان ممتاز بود زیرا در آن از اصول کلی طبّ از نظروظائف اعضاء بدن و آسیب شناسی بحث شده است.

کتاب دوّم - درباره داروهای ساده و خواصّ آنها است. در این مجموعه داروهای گوناگون بر حسب حروف ابجد تقسیم بندی کرده شده است.

کتاب سوّم - توضیح و تشریح اختلالات و امراض اعضاء داخلی و خارجی بدن از بیماری‌های سرگرفته تا عوارض پا.

کتاب چهارم - درباره بیماری‌هایی است که ابتداء در ناحیه ویژه‌ای بروز می‌کند و حالت موضعی دارد ولی به تدریج در اعضاء و قسمت‌های دیگر بدن ظاهر می‌شود. مانند زخم، عوارض عفونی و تب، شکستگی‌ها و بالاخره مسمومیت.

کتاب پنجم - درباره ترکیب داروها و خواصّ آنها بر روی بیماری است.

در قانون نه تنها از دانش علمای گذشته مانند یونانی، رومی، هندی، مصری و عربی استفاده شده است بلکه ابن سینا تجربیات و فرضیه‌های بسیار وسیع و جامع خود را به آن اضافه کرده است. وی بیماری مننژیت را شرح داده و علت همه گیری مرض سیل را سرایت از افراد می‌داند. ابن سینا درباره بیماری‌های روانی و پسیکوسوماتیک Psychosomatic به طور بسیار دقیق و مفصّل آثار زیادی در کتاب قانون بجای گذارده است. چون تشریح انسان در دیانت اسلام مأذون نبود لذا ابن سینا تشریح بدن را از روی نوشته‌های دیگران و از تشریح حیوانات و از روی تشریح بعضی از اعضاء بدن مثل قلب، کبد و چشم شرح داده است. ابن سینا اوّلین فردی بود که عضلات چشم را شناخت و حرکات آنان را نشان داد و اوّلین طبیبی بود که نشان داد اجزای توپرو جامد بدن مانند استخوان نیز می‌تواند ملتهب شده و به سرطان مبتلا شود.

بعضی از آثار دیگر ابن سینا درباره پزشکی عبارتند از رساله‌هایی درباره:

- "تکمیل اصول طبّ جنین" که نسخه خطّی آن در دست است.
- "قولنج" یا درد دل که موضوعی است که ابن سینا ادّعی تخصّص درباره آن می‌کرد.
- "قوانین و حدود طبّ"
- "داروهای قلبی" که بعد از کتاب "قانون" و "شفا" در درجه سوّم اهمیّت است.
- "المبدأ و المعاد" کتابی است که وجود یک حالت غیر عادی را شرح می‌دهد.
- و چند رساله دیگر

ترجمه آثار علمی عربی به لاتین و زبان های اروپائی

آشنائی و توجّه غرب به ادب و هنر اسلامی از سده دهم میلادی و از کشور اسپانیا و جزائر سیسیل آغاز گردید. دانش و هنر ایران که در آن زمان قسمت مهمّ فرهنگ دنیای اسلام را تشکیل می‌داد با ترجمه آثار عربی به لاتین و زبان‌های اروپائی به تدریج به دنیای غرب معرفی شد. کلیسیا در این کار پیشقدم بود و کشیش و رهبانان مسیحی در فراگیری زبان عربی و ترجمه ذخائر علمی و ادبی شرق همّت گماشتند. اولین فردی که دانش علمای عرب زبان را توسط زبان لاتین به مردم اروپا معرفی کرد قسطنطین افریقائی Constantine the African در نیمه قرن یازده میلادی بود. او در مدرسه پزشکی سالرنو Salerno در جنوب ایتالیا کتاب "التجارب" محمّد زکریای رازی را به زبان لاتین ترجمه کرد (۳۷). این اولین قدمی بود که در راه ساختن دو فرهنگ خاور و باختر برداشته شد. دانشگاه سالرنو که یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های اروپا بود با استفاده از طبّ اسلامی و یونان توانست در رشته‌های گوناگون پیشرو دانش پزشکی آن زمان گردد و نمونه‌ای برای مؤسّسات جدید علمی اروپا شد.

در سسیل فردریک دوم Feredrick II حکمران با قدرت ایتالیا علاقمند بود که از ذخائر علمی و فلسفی دنیای عرب سهمی برای مملکت خود بیابد لذا از دانشمندانی مانند Michael Scot دعوت کرد تا آثار ابن سینا و رازی را به لاتین ترجمه نماید. در تولیدوی Toledo اسپانیا نیز اسقف اعظم ریموند Francis Raymond de Sauvetat "جامعه مترجمان" تأسیس کرد تا آثار عربی ترجمه شود و امپراطور روم فردریک بارباروزا Feredrick Barbarosa نیز مشوّق مترجمان برای ترجمه کتب عربی بود. ژرارد کرمونا Gerard of Cremona مستشرق و مترجم مشهور دانشکده زبان عبری دانشگاه تولیدوی اسپانیا را می‌توان یکی از افراد بسیار مؤثر در این کار به حساب آورد (۳۸).

وی با احاطه به زبان عربی توانست تعداد زیادی از آثار پزشکی دنیای اسلام آن زمان را از عربی به لاتین ترجمه کند. در این زمینه یهودیان آن شهر که زبان عربی را خوب می دانستند به درخواست ریموند پاسخ مثبت داده و در ترجمه بسیاری از کتب و رسالات عربی به لاتین نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا نمودند. بزودی مؤسسات متعدّد دیگر برای کار ترجمه در اروپا ایجاد گردید و معارف اسلامی به لاتین و زبان‌های اسپانیائی، فرانسه، ایتالیائی، آلمانی و انگلیسی برگردانیده شد. برای مثال در ایالت ویلز Wales انگلستان، راجر بیکن Roger Bacon کرسی تدریس زبان‌های شرقی را بنیان نهاد و برای شناسائی حکمت اسلامی کوشش فراوان کرد (۳۹).

استفاده از کتب رازی و ابوعلی سینا و سایر دانشمندان عرب زبان در دانشگاه‌های اروپا سبب شده که در رشته‌های گوناگون علم و فلسفه و پزشکی به سرعت پیشرفت نماید و نمونه‌ای برای پیشرفت دانش آن زمان گردد. دو دانشگاه معتبر، بولونیا Bologna در ایتالیا و مونت پلیه Montpellier در فرانسه در آثار و ادبیات عرب تخصص یافته و با تدریس کتاب‌های ابن سینا، رازی و پزشکان عالقدر دیگر در رشته پزشکی شهرت پیدا کردند. از این دانشگاه‌ها اصول و تعلیمات پزشکی عرب در اکثر دانشکده‌های پزشکی اروپا انتشار یافت و برای حدّ اقل ۵۰۰ تا ۶۰۰ سال افکار و تعلیمات پزشکی ابن سینا و رازی حتّی بر جالینوس و بقراط برتر شناخته شده بود. دانشگاه مونت پلیه که مدافع فرهنگ عرب به شمار می‌رفت دارای کتابخانه وسیعی شامل اکثر کتب ترجمه شده رازی و سینا بود در حالی که تعداد کتب پزشکی دانشگاه پاریس آن زمان از بیست کمتر بود.

از این دوران به بعد تدریس کتاب‌های زکریای رازی و سایر کتب یونانی در دانشگاه‌های معتبر اروپا مانند مانند والنسیا Valencia و سالامانکا Salamanca شروع شد و به تدریج کتب دانشمندان ایرانی عرب زبان مانند رازی، ابوعلی سینا، فارابی، امام محمد غزالی و خوارزمی به لاتین و زبان‌های اروپائی برگردانیده شد (۴۰).

ترجمه آثار رازی به لاتین و زبان‌های دیگر

- یکی از اولین کتبی که به زبان لاتین ترجمه شد کتاب "التجارب" محمد زکریای رازی است که در نیمه قرن یازده در سیسیل ترجمه گردید.

- کتاب "طب منصورى" زکریای رازی را شم توب، طبیب یهودی، در شهر مارسی که یکی از مراکز مهم خاورشناسی بود در ۱۲۶۴م ترجمه نمود.

- کتاب "آبله و سرخک" زکریای رازی بسیار مورد توجه اطبای غرب قرار گرفت و در سال‌های ۱۴۸۹م در ونیز Venice و در ۱۵۴۹م در شهر بازل و در ۱۷۴۷م در لندن و در ۱۷۸۱م در گوتینگن و ترجمه یونانی آن در ۱۷۶۲م در پاریس و در ۱۸۴۸م در انگلستان چاپ شد. از نقطه نظر تاریخ شناخت بیماری‌های واگیر، این رساله قدیمی‌ترین کتابی است که راجع به آبله نوشته شده است (۴۱).

- ترجمه "کتاب المنصورى" ابتدا به وسیله ژرارد کرمونا در تولیدوی اسپانیا انجام شد و سپس در ۱۴۸۹م به چاپ رسید. این کتاب در نظر اطبای قرون وسطای اروپا اهمیت زیادی داشت. فصل نهم این کتاب که درباره تمام بیماری‌های بدن و درمان آنها است بخشی از مواد درسی همه دانشگاه‌های قرون وسطای اروپا را تشکیل می‌داده است.

- مهم‌ترین اثر رازی "کتاب الحاوی" که در غرب به نام Continens مشهور است. متأسفانه به سبب حجم زیاد آن با متن کامل به زبان عربی یا زبان‌های دیگر به چاپ نرسید. در ابتدا به زبان لاتین به صورت نسخه‌هایی در سال ۱۲۷۹م توسط فرج ابن سلیم برای شارل پادشاه آنژو Charles Martel of Anjou ترجمه گردید و سپس در برشیا Brescia به چاپ رسید و در دسترس مردم قرار گرفت. قسمت‌هایی از این اثر نیز در کتابخانه‌های Bodlien در اکسفورد و British Library در لندن و نیز در کتابخانه‌های Munich در آلمان و در Saint Petersburg روسیه این اثر وجود دارد (۴۲).

ادوارد براون چند قسمت الحاوی را که درباره طب بالینی است ترجمه کرده و دکتر ماکس میرهوف Max Meyerhof مستشرق آلمانی متن اصلی و ترجمه سی فصل آن را به چاپ رسانیده است. سریل الگود Cyril Elgood در کتاب تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی می‌نویسد: «برای پی بردن به تاریخ کامل و درک اهمیت نقشی که اعراب و ایرانیان در پیشرفت فن پزشکی ایفا کرده‌اند، دسترسی به متن کامل و اصلی این کتاب ضروری است» و باز می‌گوید: «محققان تاریخ عرب باید کتاب الحاوی را حتی از قانون بوعلی سینا نیز مهم‌تر بدانند». (۴۳)

کارهای دیگر رازی نیز به تدریج ترجمه و در مؤسّسات علمی و پزشکی مورد استفاده قرار گرفت. دستورات عملی وی مانند استفاده از روده برای دوختن بریدگی، استفاده از الکل و جیوه برای لینت مزاج نیز مورد استفادهٔ اطّباء غرب قرار گرفت.

برگرداندن آثار پزشکی ابن سینا به زبان‌های دیگر

در ۱۱۸۷ م تقریباً صد سال پس از فوت ابن سینا و صد سال پس از ترجمه یکی از کارهای رازی در سیسیل ایتالیا، ژرارد کرُمونا Gerard Cremona در تولیدوی اسپانیا کتب قانون فی الطب را به زبان لاتین ترجمه کرد. آوازه این کتاب بزودی به مجامع علمی اروپا رسید به نحوی که بین سال‌های ۱۴۷۰ تا ۱۵۰۰ م کتاب قانون ۱۶ بار تجدید چاپ شد. مجدداً بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ م بیست بار دیگر قانون به چاپ رسید. در طول قرون ۱۵، ۱۶، و ۱۷ م قانون در ممالک ایتالیا در روم و ونیز و در بازل Basel به چاپ رسید. آنچه این کتاب را از سایر آثار پزشکی ممتاز می‌کرد جامعیت آن در تمام مواضع طبّی بود که با دقّت و به نحو منظم و سیستماتیک بیماری‌ها را طبقه بندی کرده است. دانشمندان اروپائی با شناختن کتاب قانون دیگر احتیاجی به کتب گذشته بقراط یا جالینوس نداشتند. این اثر و رساله "داروهای قلبی" سبب شد که در اروپا جنبه پزشکی ابوعلی سینا بیشتر توجه دانشمندان را جلب کرد و به او لقب Prince of Medicine داده‌اند. و مقالات و رساله‌های بسیار زیادی به لاتین درباره قانون نوشته شد. بنا به گفته اسلر Sir William Osler پزشک انگلیسی: «قانون انجیل پزشکی است که بیش از هر کتاب طبّی دیگر در دنیا مؤثر خواهد بود. بوعلی سینا کاری کرد که جالینوس آن را انجام نداد» (۴۴).

استفاده از کتاب قانون در دانشگاه‌های اروپا

در قرون ۱۲ و ۱۳ م در ایتالیا در شهر پادوا Padua و بولونیا Bologna و در فرانسه در مونت پلیه Montpellier و پاریس مدارس پزشکی تأسیس شد. در دانشگاه مونت پلیه که از دانشگاه‌های معتبر اروپا بود کتاب اول و چهارم قانون جزو دروس پزشکی بود. در دانشگاه بولونیا قانون یکی از دروس بسیار مهمّ پزشکی بشمار می‌رفت. از سال ۱۴۸۱ م به بعد کتاب قانون از دروس درسی دانشگاه لپزیک Leipzig و توبینگن Tubingen به شمار می‌رفت. در دانشگاه وین Vienna و فرانکفورت Frankfurt در سال‌های ۱۵۹۲ و ۱۵۹۸ م بسیاری از دروس پزشکی بر اساس کتاب

قانون بنا شده بود و قانون یکی از کتب اصلی دانشگاه‌های ذکر شده در برنامه‌های درسی دانشگاه بود. مجدداً در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ م چهار رساله دکترای در دانشگاه برلین Berlin درباره قانون نوشته شد و در ۱۹۳۰ م قسمتی از قانون به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ گردید. به گفته دانشمند و پزشک انگلیسی کیمرون گرانر Cameron Gruner پس از ۴۰ سال تحقیق و مطالعه در قانون تحسین و ستایشش از این کار عظیم هر روز بیشتر می‌شود. اثری که بیش از هزار سال پیش نوشته شده و هنوز در شرق مورد استفاده است (۴۵).

نفوذ و اثرات کتب قانون و شفا در دنیای غرب

با دسترسی به آثار ابن سینا، افکار و فرضیه‌های وی در سراسر اروپا پخش شد. آلبرتوس مگنوس Albertus Magnus دانشمند و فیلسوف آلمانی که شرح حال جامعی بر فلسفه ارسطو به زبان لاتین نوشته است و او را پایه گذار اصلی ارسطوگرایی در دنیای غرب می‌داند در نوشتجات خود از آثار ابن سینا بسیار استفاده کرده است و می‌توان گفت که بسیار متکی به نظریات ابن سینا بود.

راجر بیکن Roger Bacon، ابن سینا را پس از ارسطو بزرگترین استاد فلسفه می‌داند تأثیر و نفوذ عقائد و آراء فلسفی ابن سینا علاوه بر دنیای اسلام در اروپا نیز امری است واضح و توماس آکیناس Thomas Aquinas (۴۷)، در حدود ۴۰۰ بار در آثار خود به ابن سینا مراجعه کرده است. در ۳۰ سال گذشته توجه دنیای فلسفه و منطق مجدداً به ابن سینا برگشته و آثار وی به ویژه کتاب شفا مورد پژوهش قرار گرفته است (۴۸). در مصر انجمنی برای پژوهش در کتاب شفا تأسیس شده است و کتاب شفا را به عربی در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۸۳ م ترجمه کردند. کتاب قانون نیز یکی از پایه‌های اصلی دروس طب در اروپا محسوب شد و نظریات ابن سینا همانند پزشکان عالیقدری مانند بقراط و جالینوس از ارزش و مقام ویژه‌ای برخوردار گردید. در شرق نفوذ علمی و فلسفی ابن سینا از قرون ۱۲ تا سده‌های اخیر به قوت خود باقی مانده و هنوز نامش بر تاریخ هزار ساله ایران تاج زرینی است که برای همیشه تالو ویژه داشته و خواهد داشت.

پزشکان ایرانی مانند رازی و بوعلی سینا با این که شاگردان بقراط و جالینوس بودند ولی با ابتکارات خود به آثار ایشان نظم و ترتیب داده و آنها را برای شاگردان ساده و قابل فهم نمودند و به تدریج تجربیات و افکار خود را نیز به آنها اضافه نمودند. کتب دانشمندان گذشته را به دقت

- ۱۵- همانجا، نجم آبادی، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۱۸.
- ۱۶- همانجا، الگود، ص ۱۸۳ و نجم آبادی، ج ۲، ص ۴۳۷-۴۴۳.
- ۱۷- همانجا، نجم آبادی، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۳۱.
- ۱۸- همانجا، ج ۲، ص ۷۲۱-۷۲۲.
- ۱۹- همانجا، الگود، ص ۲۲۶-۲۲۸.
- ۲۰- همانجا، ص ۲۲۶.
- ۲۱- همانجا، نجم آبادی، ج ۲، ص ۳۴۳.
- ۲۲- همانجا، ص ۳۵۷.
- ۲۳- همانجا، الگود، ص ۲۳۲-۲۳۳.
- ۲۴- همانجا، ص ۲۳۲.
- ۲۵- همانجا، ص ۲۳۱.
- ۲۶- همانجا، نجم آبادی، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۶۸.
- ۲۷- همانجا، الگود، ص ۲۲۹-۲۳۱.
- ۲۸- همانجا، ص ۲۳۲ و مجله انجمن سلطنتی آسیائی، ۱۹۳۲ م شماره اکتبر.
- ۲۹- همانجا، نجم آبادی، ج ۲، ص ۴۳۰-۴۳۱.
- ۳۰- برای مطالعه بیشتر درباره ابن سینا ن.ک. به

Avicenna, philosopher and physician, Encyclopaedia Iranica, 2008

<http://iranica.com/mew site/articles/Unicode/v3fl/v3fla046html>

- ۳۱- همانجا، الگود، ص ۲۱۷-۲۲۱.
- ۳۲- همانجا، ص ۲۱۷-۲۱۸.
- ۳۳- همانجا، ص ۲۲۰.
- ۳۴- همانجا، ص ۲۲۲-۲۲۳.
- ۳۵- Ibid, Iranica, 2008, p. 49.
- ۳۶- شیخ رئیس ابو علی سینا، قانون ۱-۵، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هه ژار)، سروش، تهران، ۲۰۰۵ م.

۳۷- Venzmer, Gerhard, 5000 Thousand Years of Medicine, 1972, Macdonald and Company, London, p.111.

۳۸- همانجا، الگود، ص ۳۲۷

۳۹- Ibid, Britannica, vol. 2, p. 567-568.

۴۰- Ibid, Iranica, p. 50-52.

۴۱- همانجا، الگود، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۴۲- همانجا، ص ۲۲۹.

۴۳- همانجا.

۴۴- ۴۸ - همانجا، ص ۲۳۵ - ۲۴۱. و Ibid, Iranica, p. 48-53.

Continens Rasis.



Quisquis eo qui antiquiores illos & nunquam satis laudatos auctores
 In medicinali disciplina sectari studet. Cuius est liber quem in medicina edidit. Liberque
 Illius Zacharie Rasis. ut qui nulli profecto inter arabes auctores anteceat & doctrina iudi-
 ciatum experientia fuit fecundus. Hunc Rasis hunc de celli Comaricum appellavit: quia
 omnem fore medicinalem artem contineret. In eo enim quatuor & passim illi in tam graeco qu-
 am arabibus auctoribus annotata signa in medicina sunt quatuor: ceterisq; collata. Quae
 in summi compendii: in utraq; partem posse credimus medicos debere quibus librum
 non perlegerit. Insuper emere potest. Rasis hunc esse omnium diligentissimum cum sit
 ille & lima octavo corrigi curatus & non saepe impedit.

Collegij
M D
Sc



XXIX
2011

MESVE AVICENA HIPOCRATES GALENUS RASIS

کتاب الحاوی که به زبان لاتین ترجمه شده است

AVICENNÆ ARABVM MEDICORVM PRINCIPIS.

*Ex Gerardi Cremonensis uersione, & Andree Alpigi
Bellouensis castigazione.*



A Ioanne Costro, & Ioanne Paulo Mongio Annotationibus
iam pridem illustratus.

Nunc vero ab eodem Costro recognitus, & nouis alicubi Observationibus adiectus.
Quibus Principum Philosophorum, ac Medicorum consensus, dissensusq; indicatur.

*Præcipua uero in eadem Serapina Arabice eius Discipulo, à Nicolao Arabe
Lectore facta, & figuris quibusdam, ex periti nostri auctoritate inserta.*

Adiis nuper etiam librorum Canonis cremonensis, necnon Tabulis Hærogicis in uniuersam Medicinam
ex Arte *Ἰππιατρικῆ*, id est IOANNIS Arabi.

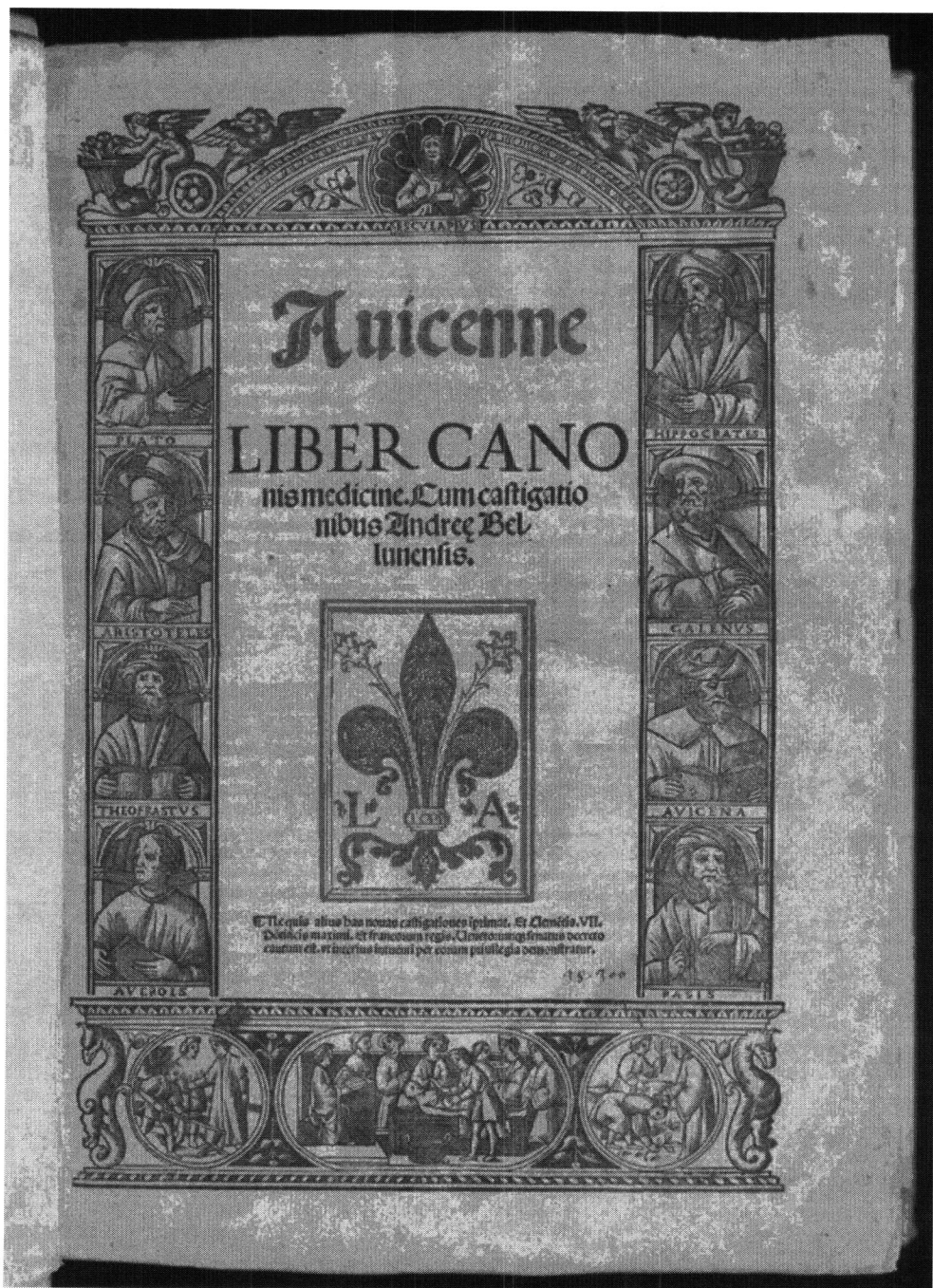
Per Fabium Paulinum Vtinensem.

Cum Indulgentiis quatuor: Duabus in nomine Arabicorum, altera Gerardi Cremonensis, altera Bellouensis, Duabus
per se memorabilibus, altera in Arabicorum uersione, altera in Annotationibus et correctionibus.

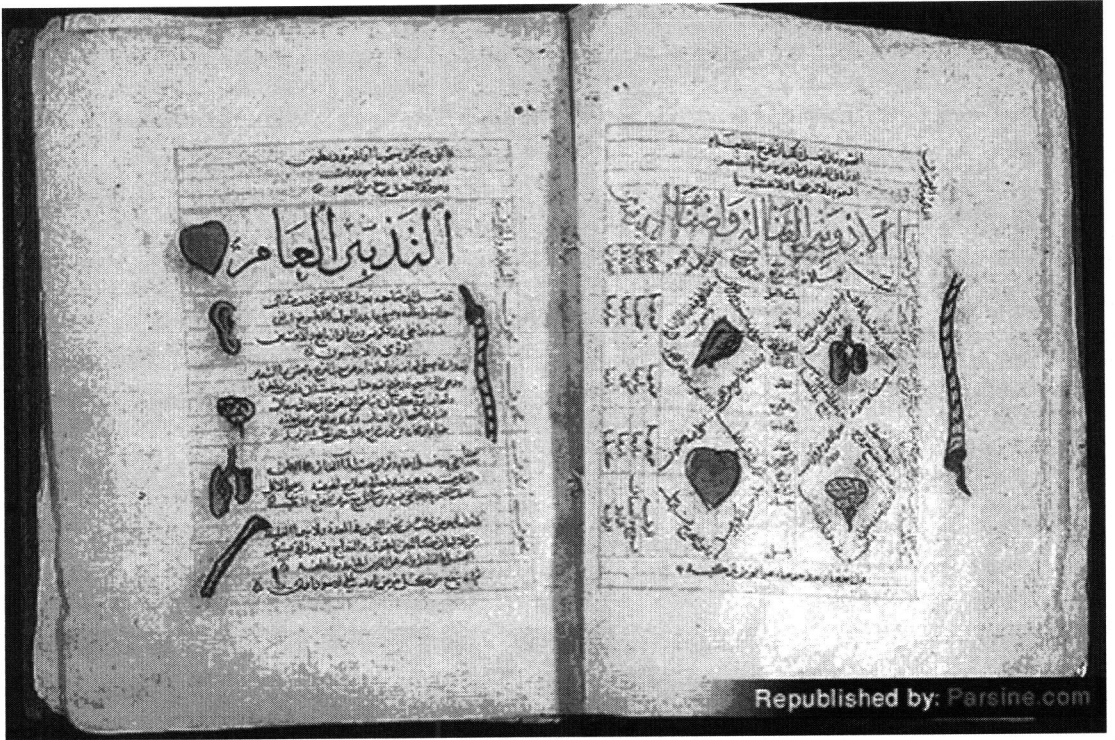


VENETIIS, M D X C V.
Apud Iuntas.

کتاب قانون که به زبان لاتین ترجمه شده است



کتاب قانون که به زبان لاتین ترجمه شده است



دو صفحه از کتاب قانون